

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم انسانی

## نظر فلسفه تحلیلی نسبت به تقسیم قضایا در فلسفه کانت

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در  
رشته فلسفه

عباس پاشایی

استاد راهنما :

دکتر علی فتح طاهری

بهمن ماه 1391

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم انسانی

گروه فلسفه

## نظر فلسفه تحلیلی نسبت به تقسیم قضایا در فلسفه کانت

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در  
رشته فلسفه

عباس پشایی

استاد راهنما :

دکتر علی فتح طاهری

استاد مشاور:

دکتر سید مسعود سیف

بهمن ماه 1391



سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی  
مان بخشید و به طریق علم و دانش  
رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و  
دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و  
معرفت را روزیمان ساخت.

تقدیم به  
پدر و مادرم و خانواده ام به خاطر زحمات  
بی دریغشان

چیدم گلی ز باغ ادب تا بروز عید  
در بارگاه میر ادب پرور  
آورم

حیف است با خسان گل دانش کنی نثار  
من گل نثار مردم دانشور  
آورم

شهریار

نمی توانم معنایی بالاتر از تقدیر و تشکر بر زبانم جاری سازم و سپاس خود را در وصف استادان خویش آشکار نمایم، که هر چه گویم و سرایم ، کم گفته ام.

با سپاس بی پایان از آقای دکتر علی فتح طاهری که در جایگاه استاد راهنما ، زحمت راهنمایی پایان نامه بر عهده ایشان بود ، آقای دکتر سید مسعود سیف که زحمت بررسی پایان نامه را به عنوان استاد مشاور بر عهده داشته اند ، آقای دکتر عبدالرزاق حسامی فر به عنوان داور که نکات ارزشمندی یادآوری کردند . همچنین از زحمات استاتید فرزانه دوره تحصیل، آقای دکتر محمد حسن حیدری، آقای دکتر سید محمد حاکم قزوینی و آقای دکتر علی نقی باقرشاهی تشکر فراوان دارم .



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه ارشد

وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای عباس پاشایی دانشجوی رشته فلسفه  
فلسفه تحلیلی نسبت به تقسیم قضایا در فلسفه کانت" در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ در دانشگاه برگزار گردید و  
این نامه با شماره ۱۳۹۱/۱۵ و درجه ~~مورد تایید هیئت داوران~~ قرار گرفت.

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه‌ی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
استاد راهنما	دکتر علی فتح طاهری	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
استاد مشاور	دکتر سید مسعود سیف	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
داور داخلی	دکتر عبدالرزاق حسامی فر	دانشیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر ناصر محسنی نیا	<del>استادیار</del> دانشیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	

بسمه تعالی

پنجاب بین المللی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)  
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی  
(فرم شماره ۲۶)

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب ... دانشجوی رشته ... مقطع تحصیلی ... رساله تحصیلی خود، با بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / رساله تحصیلی خود، با عنوان ... اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

۹۳/۱۱/۱۹

### مجوز بهره برداری از پایان نامه / رساله

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از نتایج این پایان نامه برای دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین محفوظ است. بهره برداری از این پایان نامه / رساله در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود، بلامانع است:

- بهره برداری از این پایان نامه / رساله برای همگان بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه / رساله با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه / رساله تا تاریخ ..... ممنوع است.

استاد راهنما می تواند یکی از گزینه های بالا را انتخاب کند و مسئولین کتابخانه موظف به رعایت موارد تعیین شده می باشد.

نام استاد راهنما: 

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۲/۰۵

امضاء:



## چکیده :

به عقیده کانت يك قضيه يا بر معرفت ما می افزاید یا خیر. در صورت اول تالیفی، و در صورت دوم تحلیلی است. به سخن دیگر اگر در قضیه ای مفهوم محمول مندرج در موضوع آن باشد قضیه تحلیلی و در غیر این صورت، قضیه تالیفی است. ویژگی قضایای تحلیلی ضرورت و کلیت، و ویژگی قضایای تالیفی افاده علم جدید است. کانت در تقسیم بندی دیگری از قضایا آنها را به مقدم بر تجربه و موخر از تجربه تقسیم می کند. وی برخلاف پیشینیان وجود قضایای تالیفی مقدم بر تجربه را می پذیرد و ملاک علم را در این دسته از قضایا می جوید. به عقیده او تنها این قضایا هستند که هم کلی و ضروری اند، و هم مفید علم. اعتبار علوم تجربی و ریاضی و حتی اخلاق و زیباشناسی در گرو وجود این قضایاست. تبیین این دسته از قضایا از مهم ترین وظایفی است که کانت در اثر برجسته خویش، *نقد عقل محض* به عهده می گیرد.

فلاسفه تحلیلی که به تفسیری بی تاثیر از سنت فلسفه نقادی کانت نبوده اند، و شاید مهمترین شاخصه اصلی آنها نقادی معرفت و روش های معرفتی است، در مواجهه با تقسیم بندی کانت از قضایا، مواضع متفاوتی اتخاذ کرده اند. در این پایان نامه ضمن بررسی دیدگاه های این فیلسوفان در خصوص تقسیم بندی کانت، کاوش خواهد شد که آیا فلسفه کانت هنوز می تواند در مقابل این نقدها تاب بیاورد و به حیات خویش ادامه دهد.

کلیدواژه ها: تمایز تحلیلی/تالیفی، قضایای تالیفی مقدم بر تجربه، ضروری، ممکن، کلیت، اندراج

## فهرست

صفحه

مقدمه

14

### فصل اول: تاریخچه قضایای تحلیلی و تالیفی

1-1- بحث تحلیلی و ترکیبی در فلاسفه یونانی

17

2-1- بحث امر بسیط و مرکب دکارت

18

3-1- تصورات بسیط و مرکب در لاک

21

4-1- قضایای تحلیلی و ترکیبی در فلسفه لایب نیتس

23

5-1- قضایای تحلیلی و ترکیبی در فلسفه هیوم

27

### فصل دوم: قضایای تحلیلی و ترکیبی در فلسفه کانت

1-2- مقدمه

33

2-2- نظریه معرفتی کانت

34

3-2- پیشینه تقسیم قضایا از دیدگاه کانت

36

4-2- تمایز تحلیلی و تالیفی

37

5-2- تقسیم احکام به ماتقدم/ماتاخر	40
1-5-2- شناخت پیشینی محض	42
6-2- نمونه احکام تالیفی	42
7-2- قضایای تالیفی ماتقدم	44
1-7-2- ریاضیات محض چگونه ممکن است.	46
2-7-2- علوم طبیعی چگونه ممکن هستند.	47
8-2- اهمیت احکام تالیفی ماتقدم	50
9-2- جایگاه تقسیم بندی قضایا در قوام فلسفه کانت	51

## فصل سوم: آرای فلاسفه تحلیلی در مورد تقسیم قضایا

1-3- مقدمه	54
2-3- ویژگی های فلسفه تحلیلی	57
3-3- فرگه	63
1-3-3- اندیشه های فرگه	63

2-3-3-معماهای تحلیلی بودن	64
3-3-3-مبنای ریاضیات در نظر فرگه	67
4-3-3-روش اثبات شهودی و بحران در مبانی ریاضیات	69
5-3-3-تقسیم قضایا در فلسفه فرگه	72
6-3-3-نتیجه گیری	75
4-3- برتراند راسل	75
1-4-3- فلسفه راسل	75
2-4-3-قضایا در نظر راسل	78
3-4-3-نماد بسیط و نماد مرکب	79
4-4-3-قضایای اتمی و مولکولی	79
5-4-3-معناداری قضایا	80
6-4-3- نتیجه	81

-5-3

ینگنشتاین

81

-1-5-3- افکار ویتگنشتاین متقدم

82

-2-5-3- گزاره های پایه ( بنیادی یا بدوی)

83

-3-5-3- قضایای ملکولی یا مرکب

83

-4-5-3- قضایای بامعنا

84

-5-5-3- منطق وریاضیات

84

-6-5-3- وینگنشتاین متاخر

87

-7-5-3- نتیجه گیری

87

-6-3- پوزیتویسم منطقی

87

-2-6-3- کارناپ

89

-3-6-3- قضایای ریاضی

91

-4-6-3- تمایز تحلیلی و تالیفی

93

-6-6-3- کارناپ و قضایای تالیفی ماتقدم

96

3-6-7- اهمیت تقسیم قضایا در نزد کارنپ	98
3-6-8- نتیجه گیری	100
3-7-7- کواین	101
3-7-1- نظریه کواین درباره زبان	103
3-7-2- استدلال های کواین در رد تمایز تحلیلی /تالیفی	104
3-7-3- قضیه تحلیلی در زبان ساختگی	106
3-7-4- رد تحویل گرائی	107
3-7-5- کل گرائی	108
3-7-6- رد تحلیلی بودن وعدم قطعیت ترجمه	109
3-7-7- هیچ قضیه ای مصون از بازنگری نیست	110
3-7-8- نتیجه گیری	110
3-8-8- کریپکی	111
3-8-1- کاربردهای گوناگون ضرورت و امکان	112

3-8-2- جهان های ممکن  
113

3-8-3- احکام ضروری و احکام پیشینی  
114

3-8-4- احکام ضروری و احکام پیشینی در رویکرد شهودی  
116

3-8-4-1- احکام ضروری پسینی  
116

3-8-5- احکام ممکن پیشینی  
118

3-8-5-1- میله استاندارد  
118

3-8-5-2- مثال سیاره نیپتون  
119

3-8-6- نتیجه گیری  
120

## **فصل چهارم: آیا نظام فلسفی کانت با وجود این اعتراضات استوار می ماند؟**

4- نقدهای وارد شده به تقسیم بندی کانت از قضا یا  
122

4-1-  
قد تقسیم بندی تحلیلی /تالیفی کانت  
123

ن

-2-4

قد قضایای تالیفی ماتقدم

125

آ

-3-4

یا نظام فلسفی کانت با وجود این اعتراضات استوار می ماند؟

128

## مقدمه

یکی از عمده مسائلی که ذهن فلاسفه بزرگ را همواره به خود مشغول کرده است این است که آیا اساساً در فرایند کسب معرفت امور واضح، بسیط و یا تحلیلی وجود دارند که بتوان آنها را مبنای معرفت بعدی قرار داد و یا اینگونه نیست و معرفت ما صرفاً از تجربه حاصل می شود. این موضوع که بعدها به صورت قضایای تحلیلی/تالیفی مطرح شد بیش از پیش مورد توجه فیلسوفانی که



دغدغه اصلي آنها نقد معرفت و چگونگی حصول به آن بود  
قرار گرفت.

کانت به صورت دقیق به موضوع قضایای تحلیلی/تالیفی  
پرداخت و بنابر عقیده بسیاری از صاحب نظران پایه  
فلسفه کانت تقسیم بندی تحلیلی/تالیفی قضایا محسوب  
می شود. البته پیش از کانت فلاسفه دیگری مانند هیوم و  
لایب نیتس به این موضوع پرداخته بودند اما از آنجا که  
کانت به نقادی معرفت و حوزه امکان آن پرداخت این  
تقسیم در فلسفه او اهمیت زیادی دارد و علاوه بر این او  
نوع دیگری از قضایا تحت عنوان قضایای تالیفی ماتقدم  
مطرح نمود که مخصوص فلسفه او است و بحث های زیادی را  
به همراه داشت.

این پژوهش به منظور بررسی موضع فلاسفه تحلیلی نسبت  
به تقسیم قضایا در فلسفه کانت تهیه شده است. پژوهش  
دارای چهار فصل می باشد. فصل اول به تاریخچه قضایای  
تحلیلی/تالیفی اختصاص دارد و به صورت کلی مسائلی که  
به نوعی با این تقسیم بندی در فلاسفه یونانی مطرح  
بوده پرداخته و سپس در فلسفه دکارت امر بسیط و مرکب  
، در فلسفه لاک تصورات بسیط و مرکب ،قضایای تحلیلی  
و تالیفی در لایب نیتس و در آخر تقسیم قضایا در فلسفه  
هیوم مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم به تقسیم قضایا در فلسفه کانت می پردازد. در  
این فصل، نظریه معرفتی کانت، تمایز  
تحلیلی/تالیفی، تقسیم احکام به ماتقدم/ماتاخر، قضایای  
تالیفی ماتقدم، چگونگی امکان ریاضیات محض، چگونگی  
امکان علوم طبیعی، جایگاه تقسیم بندی قضایا در قوام  
فلسفه کانت و اهمیت احکام تالیفی ماتقدم مورد بررسی  
قرار گرفته است.

فصل سوم اختصاص به موضع فلاسفه تحلیلی در مورد تقسیم  
قضایا دارد. در این فصل با نظر به کثرت فیلسوفانی که  
در این گروه قرار دارند بررسی هایی صورت گرفت و سعی

شد ارای صاحب نظرانی از این گروه که بیشتر مطرح بوده اند و نظرات بیشتری از آنها در این باره منعکس شده است مورد توجه قرار گیرند. آرای فیلسوفانی مانند فرگه، راسل، ویتگنشتاین، کارنپ، کواین و کریپکی در این فصل آورده شده است و سعی شده است که براساس نظرات این فیلسوفان به موضوع نگریسته شود.

در این فصل به هریک از این فیلسوفان، بخشی اختصاص یافته است و مبنای فلسفی و دیدگاه آنها در مورد تقسیم قضایا و قضایایی که در دیدگاه آنها مطرح است آورده شده است و در پایان هر بخش نیز جدولی تهیه شده و خلاصه دیدگاه هریک در جدول آورده شده است.

در فصل چهارم و آخرین نیز به جمع بندی موضوع پرداخته شده و سعی شده به این سئوال پاسخ داده شود که با وجود اعتراضات مطرح شده به تقسیم بندی کانت و با توجه به اینکه این تقسیم بندی برای فلسفه کانت اهمیت بسزایی دارد آیا قوام فلسفه کانت با این اعتراضات برقرار می ماند.

## فصل اول

# تاریخچه قضایای تحلیلی و تالیفی

### 1-1. بحث تحلیلی و ترکیبی در فلاسفه یونانی

شاید اولین باری که قضایا و یا امور بسیط و تحلیلی مورد توجه بشر قرار گرفته است در فیثاغوریان باشد. فیثاغوریان که در قرن 5 و 6 ق.م در عرصه فکر یونانی ظاهر شدند یکی از مهمترین گروهی بوده اند که تاکنون قدم به جهان هستی گذاشته اند. ریاضیات به عنوان استدلال استنتاجی با آنها آغاز شد. همه علوم با نوعی از باورهای غلط همراه بوده اند به جز ریاضیات که با نوعی خالصتری از خطا همراه بوده است و به نظر می رسد که معرفت ریاضی امری است مسلم، دقیق، و قابل انطباق با جهان واقع. به علاوه این معرفت از راه تفکر محض، بی آن که نیازی به مشاهده داشته باشد به دست می آید. در نتیجه ریاضیات معرفتی دانسته شد که

معرفت تجربی عادی به پای آن نمی رسد و این تصور پیش آمد که فکر برتر از حس است. روش های مختلفی برای رسیدن به آرمان ریاضی جستجو شد. راسل در کتاب تاریخ فلسفه غرب معتقد است که حاصل این جستجوها منبع اشتباهات بسیاری در معرفت و مابعد الطبیعه گردید (راسل، 1373، صص 63-73).

در سقراط تحلیل طریقی بود برای شناخت یا تبیین اشیاء. از سقراط نقل است که "اگر رایه یک بیان یا تبیین به معنای برشمردن اجزای اولیه است، این اجزا باید شناخته شوند و یا قابل شناختن باشند." همان گونه که از این عبارات بر می آید سقراط تبیین شی را به برشمردن اجزای اولیه آن تفسیر می کند. در نظر سقراط بر شمردن اجزای اولیه شی یا همان تحلیل، باید واجد یکی از این دو شرط باشد: اجزای اولیه یا شناخته شده باشند و اگر نیستند، قابل شناخت باشند.

سقراط با تعاریف کلی سروکار داشت و می خواست برخلاف سوفسطائیان که به حقیقت و کلیت قایل نبودند به مفاهیم کلی دست یابد، یعنی به کلیت ضرورت برسد. زیرا کلیات باقی می مانند (کاپلستون، 1362، ص 149).

گسنوفون می گوید سقراط در بیان خود با موضوعات بدیهی و مورد قبول شروع می کرد و این را مطمئن ترین طریق می دانست (گمپرتس، 1375، ص 589).

در محاوره ای سقراط با ایسخوماخوس که نه تنها درس کشاورزی است بلکه در همان زمینه خاص این حقیقت را روشن می کند که ممکن است کسی از علم خود نسبت به یک چیز غافل باشد و بهترین روش آموزش و پرورش این است که دانشی را که شاگرد از پیش می داند ولی نمی تواند تنظیم کند و بکار گیرد را از طریق پرسش و پاسخ به او روشن سازیم. در جایی ایسخوماخوس خطاب به سقراط می گوید تو مرا به وسیله چیزهایی که می دانم به چیزهایی رهنمون شدی که مانند آنها بودند (گاتری، 1376، صص 34-35).